

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جنگ جمعیتی

ستیز صهیونیسم علیه ملت‌ها

بهار ۱۳۹۲

بسمه تعالی

سرآغاز

پروژه جهانی کنترل جمعیت و پیشگیری از به دنیا آمدن نسل‌های آینده، با نگرانی دولت‌های ثروتمند و برخوردار از ثروت‌های عظیم آغاز شد. نگرانی این پدرخوانده‌ها نه از گرسنگی و درماندگی ملت‌های ضعیف که از محدود شدن مالکیت و دسترسی خود به همه منابع جهانی بود. چرا که در عمل، سیاست‌های کنترل جمعیت را در میان ملت‌ها و نژادهای منتخب اجرا کردند و نژادهای برگزیده خود را جز در مدتی محدود و بعد از جنگ جهانی به زاد و ولد بیشتر و افزایش جمعیت تشویق و هدایت نمودند.

این فرماندهان جمعیتی با همراه کردن اندیشه‌های اومانیستی و به حاشیه راندن تفکر دینی و ارزش‌های انسانی در این امر، زمینه پذیرش ملت‌ها و دولت‌ها را برای کاهش جمعیت در جهان و نابودی نسل‌های انسانی فراهم کردند. در این میان سازمان‌های بین‌المللی نیز با تمام ظرفیت‌های مالی و غیرمالی خود در خدمت مجریان این پروژه جهانی درآمدند تا آنها را در تأمین اهدافشان در سراسر جهان حتی قلب روستاها یاری کنند؛ نتیجه این هجمه عظیم که از حدود نیم قرن پیش (۱۹۶۶) در میان سرخپوستان بومی آمریکا آغاز شد، تغییرات شگرف جمعیتی در جهان به خصوص کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً کشورهای اسلامی بود که در مجموعه حاضر ضمن معرفی سردمداران اولیه این اقدام و سازمان‌های متولی و حامی، به خلاصه‌ای از اقدامات علیه جمعیت آینده کشورها به استناد منابع بین‌المللی و اظهارات متولیان و صاحب‌نظران جهانی خواهیم پرداخت.

توجه به مسائل ناشی از افزایش جمعیت در حال و آینده و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، قبل از آنکه در کشورهای در

حال توسعه مطرح شود، حول دو شعار تکامل یافت که یکی جنبه سیاسی و دیگری جنبه انسان دوستانه و رفاه جامعه انسانی را داشت. در خصوص جنبه اول باید خاطر نشان ساخت که از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد خطر افزایش جمعیت در دو منطقه مهم جهان یعنی آمریکای لاتین و آسیا توسط طرف‌های پیروز جنگ دوم احساس می‌شد. افزایش جمعیت در این دو منطقه، عاملی بود که ثبات سیاسی یا به اصطلاح خود آنها صلح جهانی را در معرض تهدید قرار می‌داد. ترس و نگرانی از چنین پدیده‌ای در کتاب «ویلیام وگت»^۱ تحت عنوان جاده بقاء (Road to Survival)، آشکارا دیده می‌شود. جنبه دوم به ظاهر رویکرد انسانی داشت و هدف آن تأمین رفاه جمعیت از طریق برنامه‌های تنظیم خانواده بود که به عنوان یک حق انسانی و یکی از اصول اساسی حقوق زنان آنرا تصویب کردند و به آن ارزش جهانی دادند. این جنبه توسط محققان آمریکایی، که معمولاً به مسائل بین‌المللی علاقه نشان می‌دادند، مورد توجه قرار گرفت و اعلام کردند که افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، نه تنها موقعیت سیاسی برتر آمریکا را به خطر می‌اندازد بلکه مانع اصلی در راه توسعه جهانی است. لازم به ذکر است در آمریکا حمایت از طرح‌های جهانی به شکلی است که اگر اصل و اساس یک سیاست خارجی جنبه انسانی و نوع دوستانه داشته باشد، اما توجیه اقتصادی و سیاسی نداشته باشد، هرگز مورد توجه و حمایت دولت و کنگره آمریکا قرار نخواهد گرفت (شتلند و شنه ۱۳۷۸) در واقع امریکایی‌ها به فروش وسایل پیشگیری از باروری که رقم آن از حد ۲ میلیارد دلار تجاوز می‌کند راغب‌ترند تا رفاه جوامع و لحاظ کردن جنبه انسانی.

در هر حال واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که اساس و بنیان شکل‌گیری برنامه‌های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه

1.- Wiliam Veget

و حمایت سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ جهان از جمله امریکا بوده است، از نوعی سلطه‌جویی و برتری طلبی قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان رنگ و لعاب کمک‌های بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به خود گرفته است.

بنیان جنگ جمعیتی در جهان

در اواسط دهه ۱۹۷۰، سطح درآمد در جهان سوم رو به افزایش گذاشت و میزان مولید رو به کاهش نهاد. در نتیجه نگرانی عمومی و نگرانی دولت‌ها از انفجار جمعیت کم‌رنگ شد؛ اما حمایت مالی و کمک‌های فنی نهادها و مؤسسات جهان اول از کنترل باروری در جهان سوم همچنان ادامه داشت و به تدریج سؤالاتی را در مورد انگیزه‌های پشت سر این اقدام مطرح کرد؛ به طوری که بحث و منازعه در مورد این مسأله در کنفرانس جهانی جمعیت سال ۱۹۷۴ در بخارست - که اساساً با هدف شکل دادن به اجماعی پیرامون تلاش‌های جهانی تنظیم خانواده برگزار شده بود- به اوج خود رسید. کشورهای جهان اول معتقد بودند که علت و راه‌حل معضلات جمعیتی جهان سوم، نظیر کمبود غذا، توسعه‌نیافتگی و بیکاری را باید در خود جهان سوم یافت. رشد سریع جمعیت علت این معضلات و کنترل رشد جمعیت راه‌حل آن است. در مقابل کشورهای جهان سوم همه این معضلات را ناشی از حلقه‌های وابستگی جهان سوم به کشورهای توسعه‌یافته می‌دانستند (سیاحت غرب، ش ۳۲۸).

طی دهه‌های گذشته حجم نسبی جمعیت کشورهای سرمایه‌داری سیر نزولی داشته است تا جایی که جمعیت کشورهای غربی (اروپا، آمریکا و کانادا) در دو دهه قبل به ۱۲/۱ درصد از جمعیت جهانی رسیده و به دلیل فروپاشی خانواده و حاکمیت ارزش‌های مادی و خودمحوری و لذت‌طلبی افراطی در فرهنگ

غربی، باز هم رو به نزول است. لذا کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا برای حفظ منافع و اقتدار سیاسی و اقتصادی خود در جهان سیاست کنترل جمعیت را به عنوان یکی از سیاست‌های استراتژیک در دکترین دفاع ملی و سیاست خارجی این کشور آغاز کرد و با جدیت به افزایش جمعیت خود و در مقابل به کاهش رشد جمعیت در جهان سوم به خصوص کشورهای اسلامی پرداخت.

به گفته آلوین تافلر در سال ۱۹۴۸، طی یک قرارداد پژوهشی میان ارتش آمریکا و دانشگاه جان هاپکینز، پایه‌های تئوریک علوم اجتماعی در جنگ روانی استخراج شد (حلم سرشت ۱۳۸۸: ۵۵). بعدها طی دهه‌ی هفتاد، ماحصل این تحقیقات، به ایجاد رشته «ارتباطات سلامت عمومی» در آن دانشگاه منجر شد (کتابی ۱۳۸۸: ۳۸).

هدف از تأسیس این رشته و مراکز مرتبط با آن، ارائه یک برنامه هماهنگ جهانی برای کاهش جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته بود. این برنامه با پشتوانه آمریکا و با همکاری بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی با عناوینی زیبا و جذاب چون «تنظیم خانواده» و «سلامت مادر و کودک» و «باروری سالم» در این کشورها ترویج شد.

این قرارداد نقطه عطفی شد در اجرای پروژه‌های بین‌المللی جمعیت تا در بخشی از جهان، سیاست‌های کاهش و در بخشی دیگر سیاست‌های افزایش جمعیت را اجرا کنند. پروفیسور ژاکلین کاسون^۱ (همان: ۲۲۴) طی بررسی خود در کتاب جنگ علیه جمعیت^۲ (نولان ۱۳۸۶: ۴۴)، نشان می‌دهد که کنترل جمعیت جهانی کاملاً منطبق بر پارامترهای دکترین نظامی و یک جنگ تمام عیار است (سمعی نسب و ترابی ۱۳۸۸: ۱۴۳).

1- Jacqueline Kasun.

2- The War Against Populations.

عاملان و حامیان جنگ جمعیتی

تا میانه دهه ۶۰ منابع مالی برنامه‌های کنترل جمعیت آمریکا هم در داخل و هم در خارج از کشور توسط سازمان‌های خصوصی تأمین می‌شد. ارگان‌هایی مانند شورای جمعیت و تنظیم خانواده از پرکارترین سازمان‌ها در این زمینه بودند که ارتباط عمیقی با برنامه‌های پشت پرده اصلاح نژاد انسانی داشتند. با این که بنیادهای یهودی راکفلر، فورد و میلبنک سالانه میلیون‌ها دلار به این سازمان‌ها کمک می‌کردند؛ دلارهای تخصیص داده شده نمی‌توانست اشتباهی سیری‌ناپذیر برنامه کنترل جمعیت جهان را تأمین کند (مشرق نیوز ۱۳۹۱).

در نتیجه در نیمه دوم دهه ۶۰، کنگره آمریکا برای پاسخ به عطش سیاست‌های ضد بشری کنترل جمعیت وارد معرکه شد و برای کاهش جمعیت جهان بودجه‌های فدرال را تصویب کرد. بدین ترتیب ناگهان صدها میلیون دلار وارد این برنامه ضد بشری شد که به تدریج به میلیاردها دلار رسید و در برنامه‌های سقط جنین و عقیم‌سازی اجباری هزینه گردید.

بنیادهای خانوادگی راکفلر و گیتز که در سال‌های اخیر نقش پیشتازی را در تسریع سیاست‌های کاهش جمعیت با استفاده از فن‌آوری‌های جدید بر عهده گرفته‌اند، با تأمین بودجه هنگفت تحقیقات مربوط به تولید واکسن‌های دوگانه، در پی آن هستند که زنان و مردان فقیرترین کشورها را در قالب ژست انسان‌دوستانه واکسیناسیون، با واکسن‌هایی چون کزاز و دیفتی، برای همیشه عقیم سازند. گروهی که خود را نخبه جهانی می‌خوانند، عملیاتی را به گستره جهان، علیه جمعیت ناآگاه کشورها برای کاهش و کنترل باروری به راه انداخته‌اند. واکسن‌ها و حتی غلات اصلی، برای نیل به این اهداف دست‌کاری می‌شوند (تیلور ۱۹۸۳).

در دسامبر سال ۲۰۰۰ دیوید راکفلر و ویلیام اچ. گیتز سینیور، در

جلسه‌ای درباره «نیکوکاری در یک قرن جهانی شده»، در دانشگاه راکفلر حضور یافتند. گیتز در آنجا شادمانه درباره الهام خود از راکفلر در تأسیس GAVI (اتحاد جهانی برای واکسینه کردن و مصون‌سازی) گفت: «بنیاد ما با هدایت و الهام گرفتن از کارهایی که قبل از این توسط بنیاد راکفلر انجام شده است، با اختصاص هفتصد و پنجاه میلیون دلار به مجموعه‌ای که «صندوق جهانی برای واکسینه کردن کودکان» نام دارد و یکی از اهرم‌های GAVI محسوب می‌شود، مشارکت کرده است».

وقتی یک مکانیسم جهانی مثل GAVI که مدیریت آن به دست مدافعان کنترل جمعیت است، پشتوانه واکسیناسیون میلیون‌ها نفر در سراسر جهان قرار می‌گیرد، باید در خیرخواهانه بودن این امر شک کرد، به خصوص با توجه به اینکه با انبوهی از مدارکی مواجه هستیم که اثبات می‌کنند واکسن‌های ضدباروری با پول‌های اهدایی بنیاد راکفلر، توسط سازمان بهداشت جهانی تولید و به کارگرفته شده‌اند.



جان هولدرن (شاگرد ارلیش) هم اکنون مشاور علمی اوباما است

هدف اعلام شده اتحاد جهانی GAVI واکسینه کردن تمام مردم جهان سوم بود. از جمله سازمان‌های عضو GAVI - به گواهی وب سایت آن - عبارتند از: «فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مجامع تولیدکنندگان»، «بنیاد راکفلر»، «سازمان یونیسِف»، «گروه بانک جهانی» و «سازمان بهداشت جهانی». در گزارش یوریان میسن،

سازمان بهداشت جهانی که یکی از شرکای اتحاد GAVI است، در دهه ۱۹۷۰ در قالب «گروه کاری مربوط به تولید واکسن‌هایی برای قانونمند کردن باروری» به بانک جهانی و صندوق جمعیت سازمان ملل پیوست. این گروه کاری به عنوان یک بدنه هماهنگ‌کننده جهانی برای تحقیق و تولید واکسن‌های ضدباروری در گروه‌های کاری مختلف عمل می‌کند و از تحقیقات انجام شده در حوزه‌های مختلف نظیر واکسن‌های ضد اسپرم و ضد تخمک و واکسن‌های طراحی شده برای خنثی کردن کارکردهای باروری زیست‌شناختی حمایت می‌کنند. این گروه کاری موفق به تولید نمونه اولیه یک واکسن ضدباروری شده است.

دلارهای بانک جهانی در خدمت نسل‌کشی بشر

با تأسیس اداره جمعیت در آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا در سال ۱۹۶۶، دکتر رونهولت ریاست آن را به عهده گرفت و تا سال ۱۹۷۹ در این پست باقی ماند. این اداره توانست با صرف میلیاردها دلار، یک امپراطوری قدرتمند جهانی برای شبکه یکپارچه برنامه‌های کنترل جمعیت جهان ایجاد کند و به وجود آمدن انسان‌هایی را که نظام آمریکا نامطلوب توصیف می‌کرد، متوقف سازد.



از نشان‌های برنامه کنترل جمعیت برای تبلیغ تک‌فرزندی

با ورود رابرت مک نامارا^۱ به بانک جهانی، در سال ۱۹۶۸ برنامه کنترل جمعیت ابعاد تازه‌ای یافت و از مرز عقیم‌سازی و جلوگیری از بارداری گذشت و به یک جنگ تمام عیار ضدانسانی تبدیل شد. مک نامارا از باورمندان سرسخت کاهش جمعیت بود که همکاری‌های نزدیکی با رونهولت داشت. او که قبل از به دست گرفتن ریاست بانک جهانی، وزیر دفاع آمریکا بود و میلیون‌ها نفر را در ویتنام کشته بود، این بار سیاست‌های آمریکایی پاکسازی نژادی را در قالب برنامه‌های سازمان ملل و بانک جهانی به خورد دولت‌های جهان سوم می‌داد.

مک نامارا با دیکتاتوری تمام، کمک‌های مالی و وام‌های بانک جهانی به دولت‌های جهان سوم را منوط به پیگیری سیاست آمریکایی کنترل و کاهش جمعیت در این کشورها کرد. دولت‌های جهان سوم هم ضعیف‌تر از آن بودند که بتوانند از وام‌های بانک جهانی صرف‌نظر کنند. بدین ترتیب به هر آنچه که از سوی سیاست‌مداران آمریکایی دیکته می‌شد گردن می‌نهادند.

پس از ورود مک نامارا به بانک جهانی بود که پروژه‌های تولید و انتشار عوامل بیماری‌زایی همچون ویروس ایدز توسط آمریکا شروع شد و در کنار برنامه‌های جلوگیری از باروری، کشتار آرام و بی‌سروصدای مردم جهان سوم از طریق واکسن‌های آلوده و ویروس‌های ناشناخته ساخته شده در آزمایشگاه‌ها در دستور کار برنامه کنترل جمعیت قرار گرفت (مشرق نیوز ۱۳۹۱/۱۱/۲۳). نتیجه این تلاش‌های ضد بشری این شد که سازمان ملل در آستانه نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی ایدز با انتشار گزارش جدیدی اعلام کرد: تاکنون حدود ۳۴/۲ میلیون تن در جهان مبتلا به ایدز هستند.^۲

1 - Rabert Mak Namara.

۲ - سایت سازمان ملل.

حذف رنگین پوستان از زمین

از اولین اهداف برنامه عقیم سازی، حذف جمعیت‌های غیرسفیدپوست و جهان سومی‌های ساکن در خود آمریکا بود. سرخپوست‌های بومی از اولین قربانیان این جریان در نظام آمریکا بودند. در سال ۱۹۶۶ (۴۸ سال قبل!) در تمامی بیمارستان‌های مربوط به سرخپوستان برنامه عقیم‌سازی در دستور کار قرار گرفت. در سال ۲۰۰۵ آنجلا فرنکس^۱ می‌گوید که این عقیم‌سازی بدون اطلاع و رضایت افراد انجام می‌گرفت و تا سال ۱۹۷۷ (طی یک دهه) حدود یک چهارم زنان سرخپوستی که به هر دلیلی به بیمارستانی در اوکلاهاما مراجعه کرده‌اند عقیم شده‌اند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد گاهی برنامه عقیم‌سازی بر روی جمعیت یا قبیله خاصی متمرکز می‌شده است. برای مثال طی دهه ۷۰ تمامی زنان قبیله «کاو» در اوکلاهاما توسط پزشکان عقیم شدند. این برنامه هم چنین در بخشی از پورتوریکو که تحت حاکمیت آمریکا بود نیز اجرا شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۹۷۵ یک سوم از زنان این بخش عقیم شدند.

اما سنگین‌ترین بخش برنامه کنترل جمعیت جهان توسط آمریکا، نه در این کشور که در خارج از مرزهای آن در حال اجرا بود. در دوران جنگ سرد و تبلیغات کمونیست‌ها در اقصی نقاط جهان، مردم کشورهای فقیر بیشترین تمایل را به نظام کمونیستی نشان می‌دادند، این تمایل از دید آمریکایی‌ها به مثابه زنگ خطری برای گسترش کمونیسم در جهان بود. در نتیجه یکی از اهداف کاهش جمعیت جهان سوم کاستن از نیروهایی بود که می‌توانستند به طور بالقوه به خدمت کمونیسم درآیند.

کشتن کودکان غیر اقتصادی

در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون، تحلیلگران شرکت رند برای رئیس‌جمهور گزارشی تهیه کردند که در آن محاسبات مغرضانه‌ای انجام شده بود تا به اثبات رساند که کودکان متولد شده در جهان سوم دارای ارزش اقتصادی منفی هستند! در نتیجه با تولد کودکان بیشتر در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، فقر در این کشورها گسترده‌تر می‌شود و نیز جمعیت انبوهی به وجود می‌آید که از طبقه کارگر بوده و آماده رهبری شدن توسط سوسیالیست‌ها و انقلاب‌های کمونیستی هستند. بر این اساس بدیهی است هیچ دولتی نباید اجازه بدهد فقر در بین مردمش گسترش یابد و در نتیجه باید از افزایش جمعیت کشور خود جلوگیری کند.

طبق این تجزیه و تحلیل‌ها، جانسون به این نتیجه رسید که «۵ دلار سرمایه‌گذاری در کنترل جمعیت (بخوانید مبارزه با جمعیت) پرسودتر از ۱۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در رشد اقتصادی است». متعاقب حمایت دولت جانسون از برنامه‌های کاهش جمعیت جهانی، کنگره آمریکا نتوانست خود را از افتخار مشارکت در این جنایت محروم کند و در سال ۱۹۶۶ قانونی را به تصویب رساند که طبق آن بودجه ویژه‌ای در اختیار آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا قرار گرفت تا در برنامه‌های کنترل جمعیت در خارج از کشور هزینه کند.

طبق این قانون مقرر شد که تمامی کمک‌های مالی دولت آمریکا به کشورهای دیگر منوط به سطح ابتکارات و تمایل دولت‌های آنها برای کنترل جمعیت باشد. به عبارت دیگر حاکمانی که در جهان سوم، آمریکا را در عقیم کردن جمعیت‌های فقیر کشور خود کمک می‌کردند، مشوق‌های فراوانی به دست می‌آوردند و دولت‌هایی هم که همکاری‌های لازم را انجام نمی‌دادند، با مشکل مواجه می‌شدند.

طبیعتاً با توجه به ماهیت دولت‌های جهان سوم، پیش بردن چنین طرحی برای آمریکا سخت نبود و هولوکاست واقعی کنترل جمعیت، به دست آمریکایی‌ها با موفقیت به اجرا گذاشته شد.

نسل‌کشی از طریق واکسن‌های عقیم‌کننده

در سال ۱۹۸۹ تحقیقاتی از سوی «مؤسسه ملی مصونیت» در دهلی نو در هند، بر روی استفاده از «ناقل‌هایی» چون کزاز و دیفتری برای عبور از سیستم ایمنی و انتقال هورمون زنانه صورت گرفته است و منابع آن در سال ۱۹۹۰ به عنوان مستندات این تحقیقات در انتشارات دانشگاه آکسفورد با عنوان «عبور از طریق یک ناقل» به چاپ رسیده و از بنیاد راکفلر به عنوان اعطاکننده اصلی بودجه این تحقیق نام برده شده است. ساز و کار این ناقل‌ها اینگونه است که با وارد کردن اچ‌سی‌جی درون یک واکسن کزاز که به عنوان ناقل عمل می‌کند، بدن انسان با «اچ‌سی‌جی» همچون یک عامل مهاجم رفتار می‌کند و برای مقابله با آن آنتی‌بادی‌هایی را تولید می‌کند. این عمل بر عقیم‌سازی زنانی که این واکسن را دریافت کرده‌اند اثر می‌گذارد و در بسیاری از موارد، هنگامی که در طول دوره بارداری این واکسن به آن‌ها داده می‌شود، به سقط‌جنین آن‌ها می‌انجامد.

بعد از آن BBC برنامه مستندی را با عنوان «آزمایشگاه انسانی» در سال ۱۹۹۵ پخش کرد. در این برنامه واکسن‌های ضد کزاز آلوده که عقیم‌سازی زنان فیلیپینی را در پی داشت، فاش شد (سیاحت غرب، ش ۸۶).

«جووانان مسلمان» تهدیدی جدی برای صهیونیست‌ها

«ساموئل هانتینگتون» نظریه‌پرداز غربی چنین می‌نویسد: «تمدن اسلامی ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم این چالش را متفاوت کرده،

امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند» (هانتینگتون ۱۳۸۴: ۵).

در سال ۱۹۸۱، ماکسول تیلور، عضو شورای روابط خارجی رژیم اشغالگر قدس، در جریان مصاحبه‌ای درباره ازدیاد جمعیت، صریحاً اعلام کرد: «من پیشاپیش به مردن بیش از یک میلیارد انسان فکر کرده‌ام. اینها در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین زندگی می‌کنند... بحران جمعیت و مسأله تأمین و عرضه غذا حکم می‌کند حتی برای نجات جان این اشخاص تلاش نکنیم» (گارودی ۱۳۷۲: ۱۴۰).

این سخنان و نظایر آن، نشان‌دهنده هراس فوق‌العاده تحلیلگران غربی از جمعیت جوان کشورهای اسلامی و به ویژه ایران است. آن‌ها به خوبی می‌دانند که افزایش جمعیت جوان، افزایش اقتدار سیاسی را در پی دارد؛ چرا که این قشر در مواقع خطر تمام انرژی خود را صرف دفاع از کشور و نوامیس خود می‌کنند و از این رو خطر بزرگی بر سر راه اهداف آنهاست؛ به همین جهت این وحشت آمریکایی، به تبلیغات گسترده ضد جمعیت ایران و جهان اسلام تبدیل می‌شود و اسلام و تشیع را هدف قرار می‌دهد. این مسأله زمانی روشن‌تر می‌شود که برنامه‌های افزایش جمعیت در کشورهای غربی و به ویژه در میان طراحان اصلی کاهش جمعیت در جهان یعنی صهیونیست‌ها، بررسی شود. در رژیم اشغالگر قدس هر عائله یهودی بایستی حداقل چهار بچه داشته باشد، میزان حق اولاد پرداختی به کارمندان زیاد است و داشتن بچه زیاد موجب کاهش انواع و اقسام مالیات‌ها می‌شود. حتی کارمندان بازنشسته‌ای که دارای فرزند بیشتری باشند حقوق بازنشستگی بیشتری می‌گیرند (هارون ۱۳۷۶: ۵۵).

پروژه NSSM 200

طی دهه هفتاد و در زمان هنری کسینجر - مشاور امنیت ملی رییس جمهور وقت امریکا - پروژه‌ای مطالعاتی درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا انجام شد. این پروژه که (NSSM 200) نام گرفت، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح استراتژی آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاست‌ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان‌های بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند (عالمی، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر فشار ایجاد شده برای تأمین نیازهای جمعیت بالا، در آینده موجب می‌شود که دولت‌ها و حاکمان این کشورها به دنبال افزایش قیمت نفت جهت تأمین نیازها و انتظارات رفاهی و معیشتی مردم خود باشند و افزایش قیمت نفت تأثیر بسیار منفی بر روی اقتصاد آمریکا خواهد داشت (سمعی نسب و ترابی، ۱۳۸۸).

اهمیت NSSM200 در جنگ جمعیتی و ابعاد روانی آن را نباید دست کم گرفت زیرا این برنامه مؤثرترین برنامه‌ای است که برای دو دهه بر جمعیت‌زدایی جهانی مسلط بوده است. هنوز جنبه‌های روانشناختی و سیاسی برنامه، کلیه بخش‌های جوامع سرتاسر جهان، به ویژه بخش‌های حکومتی، رسانه‌های گروهی و آکادمیک، را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

NSSM200 در زمان خود ۱۳ کشور را - حسب اولویت - به عنوان نخستین اهداف در لیست خود جای داده بود که عبارتند از: هند، بنگلادش، پاکستان، اتیوپی، مکزیک، اندونزی، برزیل، فیلیپین، تایلند، مصر، ترکیه، نیجریه، کلمبیا (همان).

NSSM200 هشدار می‌دهد که برنامه جمعیتی ایالات متحده باید مخفی باقی مانده و شیوه‌های عمل ظریف‌تر جذب و تحلیل بردن اندیشه و نگرش رهبران کشورهای کمتر توسعه‌یافته - (LDC) در پیش گرفته شود.^۱

مرکز برنامه‌های ارتباطات (ccp) که در رأس نهادهای پروپاگاندا جمعیتی دانشگاه جان هاپکینز امریکا قرار دارد، با آژانس‌های بین‌المللی، بنیادها و سازمان‌های غیردولتی متعددی در ایالات متحده و خارج از آن، برای تبلیغ و تشویق رفتار بهداشتی، کار می‌کند. حامیان اصلی این مرکز، یونیسف، بانک جهانی، بنیاد راکفلر، بنیاد پاکارد، بنیاد کاول، بنیاد رفاه عمومی و دیگر بنیادهای خصوصی و خیریه‌ها می‌باشند.^۲ دو بخش اصلی و عمده مرکز، شامل خدمات ارتباطات جمعیتی (PCS)^۳ و برنامه اطلاعات جمعیتی (PIP)^۴ می‌باشند. خدمات ارتباطات جمعیتی کمک‌های تکنیکی را به پنج منطقه جهانی، شامل دولت‌های تازه استقلال یافته (NIS) خاور نزدیک، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ارائه می‌کند. در این بخش، مرکز حمایت‌های آموزشی و مالی از هم‌دستان خود در بیش از ۶۵ کشور دنیا به عمل می‌آورد تا آن‌ها را در توسعه و ارزیابی برنامه‌های مؤثر اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش، (IEC/M)^۵ انگیزه جهت تشویق و تقویت برنامه‌ریزی خانواده، بهداشت ضدبارداری و فعالیت‌های مشابه کمک نماید.

همان طور که مشاهده می‌شود، فعالیت‌های متعدد دانشگاه جان‌هاپکینز در برنامه جمعیتی IEC/M به «تغییر دادن طرز تفکر و رفتار جنسی» همه جهانیان به سمت جمعیت‌زدایی از طریق کنترل زاد و ولد اختصاص یافته است. برای اجرای این هدف در سر تا سر

1 - <http://nssm200.tripod.com>

2-<http://www.jhucp.org>.

3- Population Communication Services.

4- Population Information Program.

5- Information-Education-Communication/Motivation.

جهان، مرکز برنامه‌های ارتباطات، طرحی به نام فعالیت ارتباطات ملی (NCC)^۱ تهیه کرد که در آن برای هر کشور، برنامه ویژه آن طراحی گردید (عالمی، ۱۳۸۹).

دکترین امنیت ملی آمریکا

دکترین امنیت ملی آمریکا توسط «مرکز عملیات‌های نظامی و غیر نظامی آمریکا» (cmoc)^۲ تهیه و در نیمه اول سال ۲۰۱۱ توسط رئیس جمهور این کشور باراک اوباما به نیروهای نظامی ابلاغ شد. مرکز مذکور در سازمان پنتاگون آمریکا واقع است.^۳

جنگ جمعیتی که با گستره عظیمی طی دهه‌های اخیر در سطح جهان اجرا می‌شود، نتیجه سیاستگذاری و فرماندهی مراکز متعددی از سوی سردمداران جهانی، در رأس آن‌ها امریکاست. دکترین امنیت ملی آمریکا، نقشه راه و مبنای تصمیم‌گیری این پروژه جهانی است. بر اساس این دکترین، میزان و ترکیب جمعیت در جهان و هر نوع تغییر پیرامون آن باید تأمین‌کننده امنیت ملی آمریکا باشد و اجرای دقیقش بر عهده سازمان‌ها و مراکز مهم بین‌المللی زیر نظر پنتاگون است.

نقشه‌ای از سازمان‌ها و مراکز مهم بین‌المللی در صفحه‌ی ۱۳۲ دکترین امنیت ملی آمریکا وجود دارد که نشان می‌دهد این سازمان‌های به ظاهر بشردوستانه که هیچکدام وظیفه نظامی و امنیتی ندارند، مستقیماً زیر نظر «مرکز عملیات‌های نظامی و غیر نظامی آمریکا» کار می‌کنند و محورهای اصلی فعالیت‌هایشان را از این مرکز دریافت می‌دارند. مثلاً در متن دکترین مذکور مفصلاً توضیح داده شده که سازمان یونیسیف زیر مجموعه سازمان ملل چه وظایفی

1- National Communication Campaigns.

2- Civil-Military Operations Center.

۳- این دکترین بر روی وبسایت‌های مورد نظر پنتاگون به طور عمومی منتشر گردید. به وسیله عبارت Doctorin for the Armed Forces of the United States می‌توان به متن کامل دست یافت.

از طرف پنتاگون به عهده دارد و می‌بایست در کشورهای دنیا آن‌ها را پیاده نماید.

تصویر صفحه بعد و ترجمه آن بخش‌های عمده‌ای از کمیته ملی مرکز عملیات نظامی و غیرنظامی آمریکا را نشان می‌دهد. این نمودار به صراحت اعلام می‌کند که تمامی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اعم از سازمان ملل، صلیب سرخ، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان حفاظت کودکان، سازمان برنامه جهانی غذا، بخش عملیات حفظ صلح و سایر آژانس‌های ملل متحد و آژانس‌های دولتی در خدمت عملیات نظامی ارتش آمریکا است.

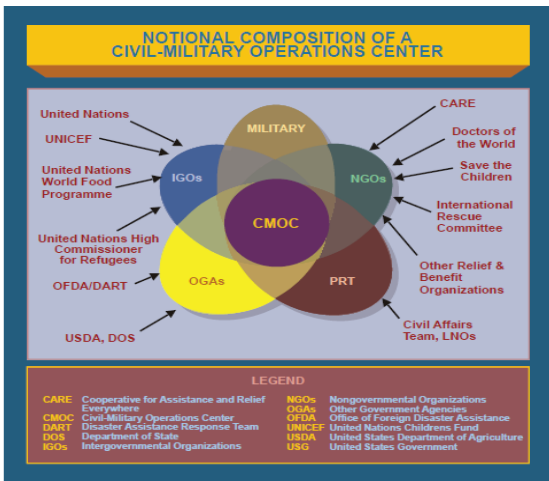
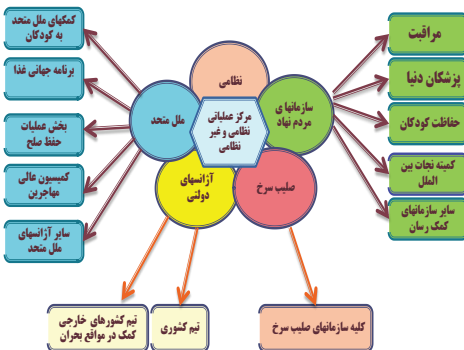


Figure II-8. Notional Composition of a Civil-Military Operations Center

کمیته ملی مرکز عملیات نظامی و غیر نظامی



نکته مهم آن است که طبق سند منتشر شده از سوی پنتاگون، برنامه‌هایی که کلیه آژانس‌های سازمان ملل (UN) در سطح جهان در کشورهای دیگر اجرا می‌کنند به عنوان عملیات دفاعی و نظامی ارتش آمریکا است.

گرچه فعالیت‌های کنترل جمعیت دولت آمریکا به شکل انفکاک‌ناپذیری با آژانس‌های سازمان ملل پیوند خورده است اما تأثیر آن بر فرهنگ جهانی و تغییرات اجتماعی بسیار فراتر از فعالیت‌های سازمان ملل می‌باشد. این امر به دلیل آن است که سازمان ملل به عنوان یک مجموعه جهانی، خود به ملت‌های ثروتمند و بودجه‌ها و سرمایه‌هایشان متکی می‌باشد و بر اعضای خویش هیچ سطله حقوقی الزام‌آوری ندارد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برنامه‌هایی که آژانس‌های سازمان ملل و به تبع آن سازمان یونسف و صندوق جمعیت در کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران اجرا می‌کنند، به عنوان عملیات نظامی ارتش آمریکا محسوب می‌شود که بررسی همه جانبه و دقیق برنامه‌ها و آمار فعالیت‌های سازمان ملل و یونسف در سراسر جهان مؤید این امر است.

حکومت نامرئی بر جمعیت جهان

سازمان نئو ماسونی مخفی، همه ساله با گرد هم آوردن مجموعه‌ای از صاحبان قدرت و ثروت در تلاش برای در اختیار گرفتن اهرم‌های سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی جهان تلاش می‌کند. این سازمان هر ساله سه نشست برگزار می‌کند که در آن‌ها مسائل اقتصادی در اجلاس داووس، مسائل اطلاعاتی و امنیتی در گردهمایی مونیخ و مسائل سیاسی در نشست بیلدربرگ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گروه بیلدربرگ که تنها یکی از سه ضلع سازمان نئو ماسونی

است، در نشست چهار روزه خود که در شرایطی ویژه از روز پنجشنبه ۱۹ تا یکشنبه ۲۲ خردادماه ۱۳۹۰ در سنت موریتس سوئیس برگزار شد، به برنامه‌های کاری خود در حکومت نامرئی بر جهان به شرح زیر اشاره کرد:

مهمترین برنامه کاری حکومت نامرئی جهان (انجمن سیاسی و اقتصادی جهان) عبارتند از:

الف- بهار عربی

ب- سانسور اینترنتی

ج- به درازا کشیدن بحران اقتصادی

د- تعیین رئیس جدید صندوق بین‌المللی پول

ه- افزایش جنگ و کشتار و نسل‌کشی

ایجاد جنگ در خاورمیانه یکی از مهمترین برنامه‌های بیلدبرگ است. آن‌ها بر این اعتقادند که جمعیت جهان بسیار زیاد شده و فقط جنگ می‌تواند تا حدودی این مشکل را چاره کند. تمامی افراد عضو بیلدبرگ با رأی مشترک بر این تصمیم استوار بوده و لزوم بروز جنگ را قطعی می‌دانند.

کشتار و ذبح انسان و دامن زدن به مرگ‌ومیر در فرقه‌های ماسونی از جمله بیلدبرگ جزء اصول و برنامه‌های اصلی است و عوامل این گروه‌ها موظفند تا حد ممکن به جنگ و نسل‌کشی دامن بزنند تا جمعیت جهان کاهش یابد (مشرق نیوز ۱۳۹۱).

ارزش‌های جهانی، پوششی برای دخالت آمریکا در کشورها

در متن دکترین امنیت ملی آمریکا آمده است: «ایالات متحده آمریکا متعهد به همکاری برای شکل‌دهی و تقویت مؤسسات و نهادهای موجودی است که در اندازه ظرفیت‌های خود فعال نیستند، مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل. ما در چارچوب نظام گسترده‌تر سازمان ملل و مکانیزم‌های منطقه‌ای برای تقویت

نظارت بر حقوق بشر و اجرای مکانیزم‌ها مشغول به کار هستیم به گونه‌ای که افراد حقیقی و کشورها پاسخگوی اقدامات خود در نقض معیارهای بین‌المللی حقوق بشر باشند و ما به‌طور فعالانه‌ای از رهبری دموکراسی‌های نوظهور حمایت می‌کنیم. این حمایت همزمان با حرکت این دموکراسی‌های نوپا در ایفای نقش فعال‌تر در پیشبرد حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک در منطقه‌هایشان و صحنه جهانی ارائه می‌شود».

نتیجه این تعهد ایالات متحده، ورود تجاوزکارانه به خاک افغانستان و نزدیک به دو دهه جنگ و کشتار بی‌گناهان و حضور دائمی در کشورهای منطقه از جمله عراق و جنگ اخیر در سوریه و ده‌ها تجاوز دیگر در سراسر جهان است.

حذف کشورهای از جغرافیای جهانی

هفته نامه اکونومیست در گزارشی با مطالعه وضعیت زاد و ولد و میل به ازدواج در کشورهای مختلف جهان، پیش‌بینی کرد با ادامه روند فعلی و بی‌میلی دختران و زنان به ازدواج و به هم خوردن ترکیب متناسب جمعیتی بین زن و مرد، جمعیت کشورهای قابل توجهی از جهان تا سده‌های آینده از روی زمین محو خواهند شد. به گزارش هفته‌نامه عصر ایران با مطالعه پدیده رایج «اعتصاب ازدواج» در میان دختران و زنان آسیایی می‌نویسد که جوامع آسیایی به‌طور روزافزونی درگیر کاهش جمعیت خواهند بود. این گزارش با اشاره به آمار سازمان ملل درباره کاهش نرخ رشد جمعیت در ۸۳ کشور جهان که ایران نیز جزء آنهاست می‌نویسد که با ادامه روند کنونی در بی‌میلی دختران و زنان به ازدواج و نیز شایع شدن پدیده تعیین جنسیت در میان بسیاری از کشورهای آسیایی (همچون چین و هند) احتمالاً طی سده‌های آینده جمعیت تعداد قابل توجهی از کشورها از جمله ایران از روی زمین محو خواهند شد. زیرا

در صورت عدم اصلاح الگوی باروری در ۸۳ کشور جهان از جمله ایران در آینده تعداد کافی دختر برای جایگزینی مادران امروز وجود نخواهد داشت (www.Tabnak.ir - ۱۳۹۰/۹/۲۸).

اهرم‌های سیاسی آمریکا برای کنترل جمعیت کشورهای اسلامی

آمریکا از دو راه سعی می‌کند تا سیاستش را در قبال جمعیت در کشورهای اسلامی به اجرا درآورد.

الف- مدیریت سیاسی در کشورهای اسلامی

در طرح‌های آمریکایی عنوان شده که مدیریت سیاسی در کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی بایستی به لزوم پذیرش و تقویت سیاست‌های جمعیتی به منظور کاهش جمعیت متقاعد شوند؛ به همین جهت است که هماهنگ با این طرح، سران اکثر کشورهای اسلامی در مورد تنظیم جمعیت به تشویق و تقویت تبلیغات و آموزش مردم پرداخته و تسهیلاتی را به مؤسسه‌های آمریکایی که در اجرای سیاست‌های جمعیتی فعالند اختصاص می‌دهند.

این مؤسسه‌ها عبارتند از:

- ۱- آژانس رشد و توسعه بین‌المللی آمریکا^۱ مشهور به (DIU.S.A) یا مؤسسه آژانس همکاری آمریکایی که هزینه تمامی طرح‌های کاهش جمعیت در کشورهای اسلامی را به عهده دارد.
- ۲- باث فایندر (Path Finder)، که وسایل جلوگیری از بارداری را تولید کرده و در دسترس زنان قرار می‌دهد و با آژانس همکاری آمریکایی نیز همکاری می‌نماید.
- ۳- طرح‌هایی در مورد فاصله انداختن بین زایمان‌ها مشهور به M.B.S^۲ که از جانب آژانس همکاری آمریکا پشتیبانی می‌شود.

1- U. S. Agency for International Development.

2- Marketing of Birth Spacing.

این مؤسسه به پخش وسایل جلوگیری از بارداری در کشورهای اسلامی می‌پردازد و فعلاً فعالیت شدیدی در اردن دارد.

ب- سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌هایی که در زمینه سیاست‌های جمعیتی (کنترل جمعیت) مشغول به فعالیتند عبارتند از:

۱- سازمان بهداشت جهانی UN / WHO

۲- سازمان تغذیه و کشاورزی بین‌المللی (فائو) UN / FAO

۳- سازمان فرهنگی (یونسکو) UN / UNESCO

۴- شورای جمعیتی UN / POPULATION COUNCIL

۵- یونیسف

۶- صندوق جمعیت

این سازمان‌ها در قالب مأموریت‌های خود، به اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت در کشورهای اسلامی می‌پردازند و نقشه‌های کنترل جمعیت کشورهای اسلامی از سوی گروهی که در پشت این سازمان‌ها قرار دارند، طراحی می‌شود و ایالات متحده به دلیل سلطه‌ای که بر سازمان ملل و سازمان‌های وابسته به آن دارد، آن‌ها را رهبری می‌کند.

اهم محورهای سیاست‌ها و برنامه‌های جهانی علیه جمعیت

آمریکا به منظور دستیابی به اهداف خود، در سیاست خارجی در مورد جمعیت این گونه عمل می‌کند:

- ۱- تبدیل کشورهای پرجمعیت به کم جمعیت و تجزیه آن‌ها؛
- ۲- ایجاد تشویق یا فشار بر کشورهای در حال توسعه و اسلامی بر کاهش جمعیت از طریق اعمال نفوذ غیرمستقیم بر مدیران سیاسی؛

۳- طرح توسعه دموکراسی و آزادی و حقوق بشر به ویژه برای

زنان و جذب آن‌ها به بازار کار و اشتغال؛

۴- دخالت‌های مالی و ارائه خدمات ذریبط (به نحوی که در شرایط تحریم نیز ابزار کنترل جمعیت به وفور در دسترس همگان وجود دارد و حتی برای شرایط بحران مانند سیل و زلزله ذخیره شده است)؛

۵- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزش‌های جوامع در حال توسعه به ویژه مسلمان از طریق:

۱-۵- تأکید بر اهمیت منافع مادی و حاکمیت اقتصاد بر برنامه‌ریزی‌های اجتماعی؛

۲-۵- تضعیف و تزلزل در ارزش‌های اساسی و اخلاق عمومی جامعه (جنگ نرم بهترین ابزار این کار است)؛

۳-۵- تأکید بر اولویت منافع فردی نسبت به خانوادگی و اجتماعی؛

۴-۵- گسترش سیطره فردگرایی و لذت‌طلبی؛

۵-۵- حاکمیت اومانیزم و نفی دین در فرهنگ عمومی جامعه (با گسترش فرهنگ سکولار)؛

۶- فشار اقتصادی بر خانواده‌ها با توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی و احساس عدم رضایت از امکانات و وضع موجود، با این تأکید که تعداد فرزندان مانع رفاه و آرامش می‌شوند. تمامی تبلیغات و سیاست‌های جمعیتی سازمان ملل بر این مسأله تأکید می‌کنند.

۷- تأکید بر ضرورت کاهش جمعیت برای رسیدن به رشد

اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌های توسعه دولت‌ها؛

۸- استفاده ابزاری از بهداشت و سلامت مادر و فرزند به عنوان

یکی از راه‌های کنترل جمعیت به‌ویژه در کشورهای اسلامی به طوری که به عنوان کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان و سلامت مادر و کودک بر کاهش جمعیت تأکید می‌کند. سازمان بهداشت

جهانی با ایجاد پایگاه‌های منطقه‌ای بهداشت از طریق پروژه‌های علمی پژوهشی، خدماتی و... به این مهم می‌پردازد.

۹- تأکید بر ایجاد تغییراتی با عنوان آزادی و توانمندسازی رساندن زنان به استقلال، رشد اجتماعی، قدرت و امکانات و تغییر سبک زندگی مطابق مدل و سبک زندگی غربی از طریق نفوذ بر مدیریت‌های سیاسی کشورها و تغییر نگرش آن‌ها و همراه کردن آن‌ها با سیاست‌های اعمالی آمریکا از طریق آژانس‌های سازمان ملل و نیز همراه کردن NGOهای فعال داخلی.

۱۰- استفاده ابزاری از دین به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار و موفق در اجرای این سیاست‌ها و تفسیر و تعبیر جانبدارانه و تحریفی از کلام عالمان دینی در تجویز و تأکید سیاست‌های کنترل جمعیت؛ به نحوی که مردم باور کنند که این سیاست‌ها مغایر با ارزش‌های دینی نیست.

این سیاست‌ها در کشورهای اسلامی به دو گونه اجرا می‌شود:

۱- **دخالت‌های مالی**، که در تهیه وسایل جلوگیری از بارداری به صورت رایگان و ارزان قیمت، تأثیرگذار است؛ به این ترتیب که این وسایل را به صورت انبوه در مراکز درمانی و داروخانه‌ها در دسترس مردم قرار می‌دهند.

۲- **دخالت‌های فرهنگی**، که از طریق نفوذ فرهنگ غربی در میان مردم ارزش‌های اجتماعی را از بین می‌برند و ارزش‌های اجتماعی جدیدی پایه‌ریزی می‌شود که کاهش زایمان و بکارگیری راه‌های جلوگیری از بارداری را به دنبال دارد.

این مداخله‌های قیم مآبانه از سویی و متقاعدسازی مدیران در کشورها از سوی دیگر سبب کاهش چشمگیر رشد جمعیت کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر شد. در این جریان ایران از جمله کشورهایی است که طی سالهای ۶۵ تا ۸۴ در اثر اجرای

سیاست‌های تنظیم خانواده و بسترسازی‌های فرهنگی و برخی عوامل اجتماعی، سطح باروری و به دنبال آن آهنگ رشد سالانه جمعیت در مقایسه با سال ۱۳۶۵ به کمتر از نصف کاهش یافت. میزان باروری کل از ۶/۵ توزاد زنده برای هر زن ایرانی در سال ۱۳۶۵ به نرخ باروری ۱/۸ فرزند در سال ۱۳۸۵ رسید و طبق برآوردهای مرکز آمار و سایر متخصصان جمعیتی کشور، به ۱/۷ و بنا بر آمار سازمان ملل در سال ۱۳۹۰ به باروری ۱/۶ فرزند به ازای هر مادر رسیدیم.

نکته دیگر این است که با ادامه وضعیت فعلی یعنی کاهش زادوولد و انتقال باروری طبیعی به باروری تنظیمی و مهار شده، ساختار جمعیت ایران از وضعیت جوانی خارج شده و به سوی سالخوردگی و پیری سوق پیدا می‌کند، به همین لحاظ هرم سنی جمعیت ایران که همواره قاعده‌ای گسترده داشته و به لحاظ تمرکز بیش از ۴۰ درصد از کل جمعیت در سنین کمتر از ۱۵ سال، از ساختاری جوان برخوردار بوده است، در دو دهه اخیر به سبب کاهش باروری، به رقمی حدود ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است (محمودی ۱۳۸۹: ۷۲-۴۱).

۷- بحران پیش‌رو

پیش‌بینی‌های جمعیتی سازمان ملل نشان می‌دهند که توازن منطقه‌ای جمعیت جهان، در حال تغییر است. بخش جمعیت سازمان ملل هر چهار سال یک بار بر اساس نتایج سرشماری‌های ملی کشورها و مفروضات سطوح مختلف باروری و مرگ و میر به پیش‌بینی تحولات جمعیتی کشورها در افق‌های زمانی ۵۰ ساله و در سه سناریوی مختلف (حد پایین، حد متوسط و حد بالای رشد جمعیتی) می‌پردازد. جداول ۱، ۲ و ۳ مقایسه نتایج پیش‌بینی جمعیت ایران را طی دوره‌های پنج ساله و بر اساس سه سناریو جمعیت سازمان ملل

بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۳۰ نشان می‌دهد. بر اساس سناریوی حد پایین یعنی با روند فعلی کاهش نرخ باروری کل در کشور، جمعیت ایران از تعداد ۷۳ میلیون و ۳۶۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ به ۸۶ میلیون و ۲۲۲ نفر در سال ۱۴۲۰ افزایش خواهد یافت و در ۱۰ سال، پایان دوره رشد منفی جمعیتی را تجربه خواهد کرد. بر اساس سناریوی حد متوسط جمعیت ایران از ۷۵ میلیون و ۵۳۷ هزار نفر و باروری ۲/۱۸ در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۵ میلیون نفر در سال ۱۴۳۰ افزایش خواهد یافت. نهایتاً اینکه بر اساس سناریوی حد بالای سازمان ملل، جمعیت ایران از تعداد ۷۷ میلیون و ۳۰۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ با نرخ باروری ۲/۵۳ به حدود ۱۲۸ میلیون نفر در سال ۱۴۳۰ افزایش خواهد یافت. یعنی در پایان دوره، رشد ۰/۸۹ درصد جمعیتی را تجربه خواهد کرد (محمودی ۱۳۸۹).

این سناریوها برای سال ۸۵ پیش بینی و مطرح شده است ولی آمار بدست آمده از سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی ایران منطبق بر سناریوی حد پایین سازمان ملل است. اما اگر با برنامه ریزی دقیق و سریع دولت‌ها روند کاهش سطح باروری کل متوقف و حالت افزایشی به خود بگیرد، احتمالاً با گذشت زمان روند تحولات رشد جمعیت ایران منطبق با الگوی حد متوسط سازمان ملل خواهد شد. همچنانکه سناریوی حد متوسط نشان می‌دهد میزان باروری کل برای سال ۱۳۸۵ حدود ۲/۳۳ بچه برای هر مادر برآورد شده است و در پایان دوره به ۱/۸۵ بچه برای هر مادر خواهد رسید. که باز هم زیر حد جانشینی می‌باشد (جدول ۱) (همان).

نتایج پیش‌بینی‌های سازمان ملل در مورد جمعیت ایران تا افق ۱۴۳۰

جدول ۱- سناریوی رشد پایین

دوره سال	تعداد جمعیت	آهنگ رشد سالانه	زمان دوبرابر شدن جمعیت	شاخص بقاء نسل (NRR)	میزان باروری کل	میان‌سنه سنی
۱۳۸۵	۶۹۹۵۵	۱	۶۹	۰/۸۲	۱/۷۵	۲۳/۳
۱۳۹۰	۷۳۳۶۴	۱/۰۶	۶۵	۰/۷۳	۱/۵۶	۲۶/۱
۱۳۹۵	۷۷۳۵۵	۰/۸۷	۸۰	۰/۶۹	۱/۴۵	۲۸/۹
۱۴۰۰	۸۰۷۸۵	۰/۵۸	۱۲۰	۰/۶۵	۱/۳۶	۳۱/۸
۱۴۰۵	۸۳۱۶۷	۰/۳۸	۱۸۲	۰/۶۵	۱/۳۵	۳۵
۱۴۱۰	۸۴۷۴۷	۰/۲۳	۳۰۱	۰/۶۵	۱/۳۵	۳۸
۱۴۱۵	۸۵۷۴۳	۰/۱۱	۶۳۰	۰/۶۵	۱/۳۵	۴۱
۱۴۲۰	۸۶۲۲۲	-۰/۰۳	—	۰/۶۵	۱/۳۵	۲۳/۲
۱۴۲۵	۸۶۰۵۲	-۰/۲۳	—	۰/۶۵	۱/۳۵	۴۵/۲
۱۴۳۰	۸۵۰۵۲	-۰/۲۳	—	۰/۶۵	۱/۳۵	۳۷/۳

نتایج پیش‌بینی‌های سازمان ملل در مورد جمعیت ایران تا افق ۱۴۳۰

جدول ۲- سناریوی رشد متوسط

دوره سال	تعداد جمعیت	آهنگ رشد سالانه	زمان دوبرابر شدن جمعیت	شاخص بقاء نسل (NRR)	میزان باروری کل	میان‌سنه سنی
۱۳۸۵	۷۰۶۷۵	۱/۲۴	۵۳	۱/۰۸	۲/۳۳	۲۳/۱
۱۳۹۰	۷۵۵۳۷	۱/۳۳	۵۲	۱/۰۲	۲/۱۸	۲۵/۴
۱۳۹۵	۸۱۴۲۲	۱/۵	۴۶	۰/۹۷	۲/۰۶	۲۷/۷
۱۴۰۰	۸۶۷۳۶	۱/۲۷	۵۵	۰/۹۳	۱/۹۵	۳۰/۱
۱۴۰۵	۹۰۹۲۷	۰/۹۴	۷۴	۰/۸۹	۱/۸۶	۳۲/۶
۱۴۱۰	۹۲۲۲۱	۰/۷۶	۹۱	۰/۸۸	۱/۸۵	۳۵
۱۴۱۵	۹۷۷۷۰	۰/۶۹	۱۰۰	۰/۸۹	۱/۸۵	۳۶/۱
۱۴۲۰	۱۰۰۹۶۱	۰/۶۴	۱۰۸	۰/۸۹	۱/۸۵	۳۷/۳
۱۴۲۵	۱۰۳۶۶۲	۰/۵۳	۱۳۱	۰/۸۹	۱/۸۵	۳۸/۷
۱۴۳۰	۱۰۵۳۸۵	۰/۳۵	۱۹۸	۰/۸۹	۱/۸۵	۴۰/۲

نتایج پیش‌بینی‌های سازمان ملل در مورد جمعیت ایران تا افق ۱۴۳۰

جدول ۳- سناریوی رشد بالا

دوره سال	تعداد جمعیت	آهنگ رشد سالانه	زمان دوبرابر شدن جمعیت	شاخص بقاء نسل (NRR)	میزان باروری کل	میان‌سنی
۱۳۸۵	۷۱۳۴۲	۱/۴	۵۰	۱/۱۷	۲/۵۳	۲۲/۹
۱۳۹۰	۷۷۳۰۴	۱/۶۳	۴۳	۱/۱۸	۲/۵۳	۲۴/۹
۱۳۹۵	۸۴۹۹۱	۱/۹	۳۶	۱/۱۹	۲/۵۳	۲۶/۷
۱۴۰۰	۹۲۲۱۰	۱/۶۳	۴۳	۱/۱۶	۲/۴۵	۴۸/۵
۱۴۰۵	۹۸۲۲۳	۱/۲۶	۵۵	۱/۱۲	۲/۳۶	۳۰/۳
۱۴۱۰	۱۰۳۸۰۱	۱/۱۱	۶۲	۱/۱۲	۲/۳۵	۳۰/۹
۱۴۱۵	۱۰۹۷۸۸	۱/۱۲	۶۲	۱/۱۳	۲/۳۵	۳۱/۷
۱۴۲۰	۱۱۶۲۷۰	۱/۱۵	۶۰	۱/۱۳	۲/۳۵	۳۲/۶
۱۴۲۵	۱۲۲۶۱۱	۱/۰۶	۶۵	۱/۱۳	۲/۳۵	۳۳/۷
۱۴۳۰	۱۲۸۱۵۸	۰/۸۹	۷۸	۱/۱۳	۲/۳۵	۳۵/۱

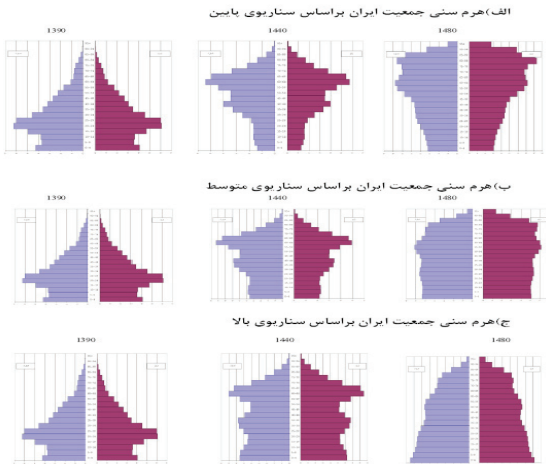
مقایسه هرم‌های سنی جمعیتی ایران با الگوهای متفاوت رشد:

نمودار ۱ هرم‌های سنی جمعیت ایران را در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۴۴۰ و ۱۴۸۰ نشان می‌دهد. نمودارهای ردیف بالا نشان‌دهنده گزینه رشد پایین جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ است. در این گزینه فرض شده است که میزان باروری کل از $1/8$ بچه برای هر مادر در سال ۱۳۸۵ به $0/84$ در سال ۱۴۱۰ و به $1/48$ در سال ۱۴۸۰ برسد. همچنین درصد سالمندان از حدود $7/5$ درصد در سال ۱۳۹۰ به حدود بیش از ۴۷ درصد در سال ۱۴۸۰ افزایش یابد.

نمودارهای ردیف وسط نشان‌دهنده گزینه رشد متوسط جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ است. چنانکه ملاحظه می‌شود در این گزینه چنین پیش‌بینی شده است که میزان باروری به سطح جانشینی افزایش یابد. با توجه به این سناریو بین گروه‌های سنی جمعیت در سال ۱۴۸۰ نوعی توازن برقرار است و از سوی دیگر میزان باروری

کل در حد جانشینی است. (مشفق ۱۳۸۷)

نمودار ۱- هرم‌های سنی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۴۴۰ و ۱۴۸۰ شمسی بر اساس گزینه‌های رشد پایین، متوسط و بالای سازمان ملل (پیش‌بینی سال ۲۰۰۴ میلادی-۱۳۸۲ شمسی)

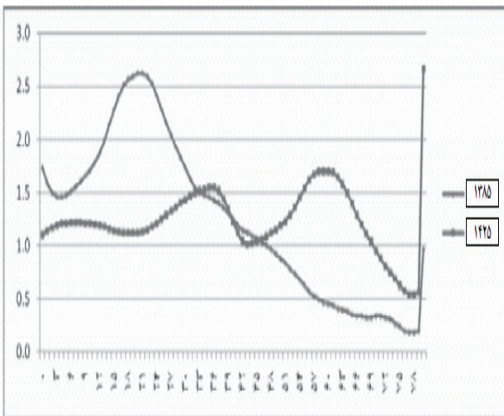


تغییرات در قاعده، میانه و رأس هرم‌ها تحت سناریوهای سه‌گانه بهترین هشدار به تصمیم‌گیرندگان و آحاد ملت ایران برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات لازم در جهت پیشگیری از کاهش جمعیت است. چنانچه مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۰ بیشترین حجم جمعیتی متعلق به گروه جوان (۴۵-۱۵ سالگی) و در سنین کار است یعنی نشان می‌دهد جامعه ایران جوان است و در فرصت جمعیتی به سر می‌برد. اما بر اساس سناریوی رشد بالا در سال ۱۴۴۰ این جمعیت به رأس هرم نزدیکتر شده یعنی به سنین ۶۰ به بالا منتقل خواهد شد و در سال ۱۴۸۰ هرم جمعیتی به استوانگی که بر حسب اندازه‌های یک جمعیت متعادل و پویا، جمعیت مناسب و متعادلی نیست؛ نزدیک خواهد شد. چنانچه در نمودار نشان داده شده، در سال ۱۴۴۰ قاعده هرم بسیار کوچک و بخش نزدیک به رأس هرم پهن شده است؛ یعنی کودکان و

جوانانی کم جمعیت و سالمندانی پر جمعیت خواهیم داشت و در سال ۱۴۸۰ این وضعیت شدیدتر خواهد شد و کشور با داشتن ۴۷/۵ درصد سالمند، فاقد جوانان و کودکانی برای جانشینی این گروه شدن و یاری رساندن به این مددجویان خواهد بود.

نمودار بعدی تحولات موج سنی جمعیت کشور از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۴۲۵ را نشان می‌دهد. محور افقی نشان‌دهنده سنین مختلف و محور عمودی نشان‌دهنده سهم نسبی جمعیت در هر یک از سنین است. چنانکه ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۸۵، جمعیت گروه‌های سنی ۱۵-۲۹ ساله بیشترین حجم جمعیتی کشور را تشکیل می‌دهد و اوج سنی جمعیت در سنین ۲۰-۲۴ سالگی است. اما این الگو در افق سال ۱۴۲۵ کاملاً تغییر خواهد کرد بطوری که اوج سنی به ۶۰-۶۴ سالگی خواهد رسید. در مقابل، از جمعیت جوان کشور به تدریج کاسته خواهد شد (محمودی ۱۳۸۹).

نمودار ۲- تحولات الگوی سنی جمعیت ایران تا افق سال ۱۴۲۵

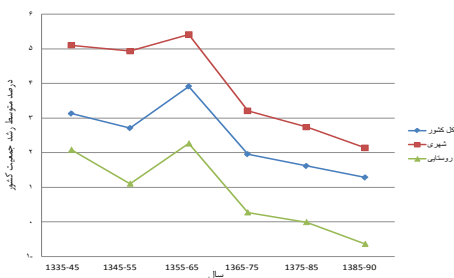


همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۶/۹ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۵ درصد کاهش خواهد یافت. در صورت تحقق

سناریوی حد پایین سازمان ملل یعنی نرخ باروری کنونی و ادامه آن، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۸/۵، در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۵ درصد و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۴ درصد کاهش خواهد یافت.

نمودار ۳-

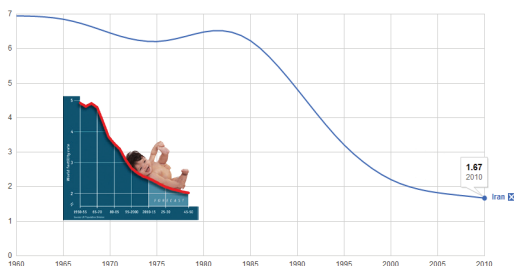
متوسط رشد جمعیت کشور



متوسط رشد سالانه جمعیت: منظور افزایش سالانه تعداد جمعیت به ازای هر ۱۰۰ نفر است.
منبع: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران <http://www.amar.org.ir>

نمودار ۴-

روند رو به کاهش نرخ باروری در ایران



نرخ باروری کل: متوسط فرزندان زنده متولد شده به ازای یک زن
منبع: بانک جهانی

نتیجه:

ایران در حال حاضر جزء ۱۰ کشوری است که در جهان به سرعت به سمت کهنسالی در حال حرکت هستند و در جایگاه ششمین کشور جهان قرار دارد که افراد آن به سن پیری می‌رسند و در ده سال آتی نیز فاز دوم سالمندی را تجربه خواهد کرد. با این اوصاف لازم به ذکر است که در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۷۱، گروه بین‌المللی اقدام در مورد کنترل جمعیت، ایران را در شمار کشورهای موفق در زمینه کنترل جمعیت دانست و در مقابل، آمریکا و روسیه را به عنوان کشور ناموفق اعلام کردند و در بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۷۳ رئیس فدراسیون بین‌المللی خانواده (A.R.P.F) از کشورهای اسلامی خواست تا از الگوی کنترل جمعیت در ایران پیروی کنند.

تردیدی نیست که باید برای اصلاح این وضعیت و جلوگیری از کاهش شدیدتر و منفی شدن رشد جمعیت به روش مقتضی اقدام شود. یادآور می‌شود که این شرایط مختص ایران نیست و می‌دانیم که هم اکنون تعدادی از کشورهای پیشرفته که آهنگ باروری کلی آنها کمتر از ۲ است با ارائه مشوق‌هایی تلاش دارند تا والدین را به داشتن فرزند بیشتر ترغیب کنند و کسی هم اقدامات آنها را منفی ارزیابی نمی‌کند. به اذعان جمعیت‌شناسان داخلی و بین‌المللی باروری کلی ۱/۸، نگران‌کننده است و به همین دلیل ضرورت بررسی عوامل کاهش و اصلاح سیاست‌ها برای افزایش جمعیت جای تردید نخواهد داشت.

پس از فرمان رهبر معظم انقلاب مبنی بر تغییر سیاست‌های جمعیتی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در چارچوب تصویب نقشه مهندسی فرهنگی و بر اساس تحلیل وضعیت فرهنگی کشور، موضوع تحولات جمعیتی کشور را بررسی و راهبرد کلان، راهبردهای ملی مرتبط با آن را در ۵ ماده و ۵۶ بند به تصویب رساند که به برخی از راهبردها اشاره می‌شود.

ماده ۱: راهبرد کلان

جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی، اقتضائات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت‌شناختی، آمایش و پایش مستمر جمعیتی

ماده ۲: راهبردهای ملی

۱- فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری بویژه زیر حد جانشینی؛

۲- تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری؛

۳- تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری؛

۴- ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت کشور؛

۵- آمایش مستمر جمعیتی کشور و تدوین سیاست‌های مهاجرتی به منظور جهت‌دهی به جابجایی‌های جمعیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۶- اهتمام به ارتقاء کیفی جمعیت کشور از طریق متناسب ساختن نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت و فرهنگ آنها^۱.

این مجموعه در سایت این شورا قابل مشاهده است. در پی آن مجلس شورای اسلامی اقدام به تصویب «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» کرد (در حال بررسی در کمیسیون‌های تخصصی

1- <http://iranculture.org/fa/simpleView.aspx?provID=1822>

است).

در پایان توجه شما را به دیدگاه حضرت امام خمینی (علیه السلام) و مقام معظم رهبری در خصوص ظرفیت جمعیتی ایران جلب می‌کنیم. امام خمینی (علیه السلام) فرمودند:

«مملکت ایران ۳۵ میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد، وسعتش آنقدر است که برای صد و پنجاه میلیون تا دویست میلیون جمعیت کافی است» (صحیفه امام، جلد ۷، ۳۹۳).

مقام معظم رهبری نیز تاکنون چندین بار به مسئله کاهش جمعیت هشدار داده‌اند و توصیه‌های مؤکدی برای جبران این مشکل به مردم و مسئولان فرموده‌اند. از جمله فرمایشات ایشان:

«ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه‌ی نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛ و از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم؛ آنطوری که کارشناس‌ها بررسی علمی و دقیق کردند. اینها خطابیات نیست؛ اینها کارهای علمی و دقیق کارشناسی شده است. اگر چنانچه با همین وضع پیش برویم، تا چند سال دیگر نسل جوان ما کم خواهد شد - که امروز قاعده‌ی جمعیتی ما جوان است - و بتدریج دچار پیری خواهیم شد؛ بعد از گذشت چند سال، جمعیت کشور هم کاهش پیدا خواهد کرد، چون پیری جمعیت با کاهش زاد و ولد همراه است. ایشان در ادامه فرمودند:

«یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند، که در

آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است؛ اینها را بایستی مسئولین کشور بجد نگاه کنند و دنبال کنند. در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد. این مسئله‌ی افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه‌ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره‌ی آن فرهنگ‌سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند و درست هم هست ما باید به آن رقم‌ها برسیم».

(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳)

ایشان همچنین در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذر ماه سال ۱۳۹۲ فرمودند:

«مسئله‌ی جمعیت. یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر میکند، تن او می‌لرزد، این مسئله‌ی جمعیت است؛ مسئله‌ی جمعیت را جدی بگیرید؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا میکند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست. یعنی مسئله‌ی جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر میکنیم، نه، اگر چند سال بگذرد، وقتی نسلاها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.»

(بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۹/۲۹)

پی‌نوشت:

JHU/ORO - متون درسی استاندارد برای پرورش افراد در عملیات جنگ روانی را تولید نمود مثل:

- * The Nature of Psychological Warfare (1953);
- * Target Analysis and Media in Propaganda Audiences Abroad (1954);
- * A Psychological Warfare Case Book (1985).

منابع

- تیلور، دانیل. ۱۹۸۳ «واکسینه کردن جهان کینز و راکفلر به دنبال کاستن جمعیت جهان»، سیاحت غرب، ش ۱۶، (۱۳۸۹).
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین ۱۴۲۹ ق (۱۳۸۷ ش). «رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین»، مشهد، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.
- حلم سرشت، پریش و اسماعیل دل پیشه ۱۳۸۸. جمعیت و تنظیم خانواده، تهران، چهر.
- سمعی نسب و ترابی، «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش ۱۱ و ۱۲.
- شتلند، کلود، شنه، کلود (۱۳۷۸). جمعیت جهانی، چالش‌ها و مسائل، ترجمه سیدمحمد میرزایی، تهران، شهید بهشتی.
- عالمی، مسعود، «شعار فرزند کمتر در خدمت پروژه جنگ جمعیتی» (۱۳۸۹).
- کتابی، احمد، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۸۸).
- گارودی، روزه ۱۳۷۲. گورکن‌ها، یک هشدار نوین به زندگان، ترجمه علی اکبر کسمایی، اطلاعات.
- محمودی، محمدجواد، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، برداشت دوم، ش ۱۱ و ۱۲ (۱۳۸۹).
- مشفق، محمود و محمودی، محمدجواد، «بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران»، نتیجه پژوهش مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه (۱۳۹۰)
- مشرق نیوز، «امریکا چگونه می‌خواهد جهان را اداره کند» (۱۳۹۱).
- هارون، یحیی، ۱۳۷۶. فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل. «تمدن اسلامی و چین، دو چالش پیش‌رو تمدن غرب» سیاحت غرب، ش ۳۲، ۸ (۱۳۸۴).